

خانواده اهل مسجد

محمدحسین مردانی نوکنده

چکیده

انسان متشکل از جسم و روح است و همان‌گونه که جسم محتاج و نیازمند به غذاست، روح نیز محتاج غذاست. اگر غذای جسم مادی است، غذای روح، معنوی است. آنچه به خانواده‌ها آرامش و راحتی می‌بخشد، محبت، صمیمیت و اخلاق شایسته اعضای خانواده نسبت به یکدیگر است. از آنجا که محیط خانواده باید پرورشگاه خوب و مناسبی برای کودکان باشد که پا به آن محیط می‌گذارند، لازم است پدر و مادر هرچه بیشتر در تحکیم اجتماع کوچک خانواده بکوشند و محیط سالم و آرامی را با اخلاق نیک و رفتار شایسته خویش به وجود آورند. محبت و صفای باطنی این دو اساس و زیربنای اصل تربیت فرزند است.

در خانواده اهل مسجد بهترین و عالی‌ترین مراقبت روحی آن است که والدین فرزندان و اعضای خانواده خویش را به اطاعت از خداوند متعال و اقامه نماز تأدیب نمایند.

باید توجه داشت که فقط در خانواده اهل ایمان و مسجد است که انسان‌های بزرگ ظاهر می‌شوند و مسیر تاریخ را براساس اراده والای خویش تغییر می‌دهند. در این نوشتار شاخصه‌های خانواده اهل مسجد مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. محبت و صمیمیت، ۲. پرورش شخصیت و اعتماد به نفس،
۳. تربیت دینی، ۴. خلاقیت، ۵. نظم، انضباط، وقت‌شناسی، ۶. پاک‌ی و طهارت جسم و جان، ۷. عدالت، ۸. مشورت، ۹. دانش‌جویی و حقیقت‌طلبی، ۱۰. آزادی اندیشه، ۱۱. مقاومت در برابر سختی‌ها، ۱۲. اعتدال، ۱۳. اقتصاد مناسب، ۱۴. ساده‌زیستی، ۱۵. تربیت عقلانی، ۱۶. تصمیم‌گیری و قاطعیت، ۱۷. اجتماعی بودن، ۱۸. هدفمند بودن، ۱۹. تقسیم‌کار، ۲۰. فداکاری.

این مقاله در پایان خانواده علی علیه‌السلام و فاطمه علیها‌السلام را الگویی برای همه جهانیان خصوصاً خانواده‌های اهل مسجد معرفی کرده است.

اشاره

نهاد خانواده به لحاظ چند بعدی بودن و رازها و رمزها داشتن، به مطالعه، تعمیق و عبرت‌آموزی دائمی نیاز دارد. این که برای بقای خانواده توصیه و تأکید فراوان می‌شود و بسیاری از سعادت‌ها و شقاوت‌ها از درون خانواده ریشه می‌گیرد، همه دلیل بر ظرافت، اهمیت و پیچیدگی این نهاد مهم انسان‌سازی است. برنامه‌ریزان به ویژه آنانی که در نهادهای فرهنگی - تربیتی فعالیت می‌کنند، نباید به این مهم بی‌اعتنا بمانند و از بررسی مسائل خانواده و آرایه راه حل برای مشکلات و معضلات آن غفلت ورزند. این که خداوند در قرآن، خانواده را با عنوان «آیه» معرفی می‌نماید و آرامش و سکینه قلب آدمی را در گرو داشتن خانواده سالم و با ایمان می‌داند، برای شناخت درست این نهاد کافی است.

آیه الهی بودن، نکات حکیمانه زیادی در خود مستتر دارد؛ هرچه نشانه خدا شود، به منزله این است که صفات الهی در او بروز و ظهور دارد و آن قدر دارای قابلیت است که هم می‌توان راه خدا و مسیر بندگی را در آن آموخت و هم با آن بسیاری از حقایق را باور کرد.

اگر خانواده‌های اهل ایمان و مسجد به همین نکته توجه کنند که رابطه مرد و زن در درون خانواده جلوه‌ای از جلوه‌های الهی است و قاعده‌مندی‌های درونی آن باید با الهام از صفات الهی استنباط شود، در آن صورت زمینه‌های سعادت‌مندی در آن خانواده شکل می‌گیرد.

خانواده اهل مسجد و نماز باید تلاش کند نشانه‌هایی از عید الهی، علم الهی، قدرت الهی، قداست الهی و سایر صفات را در خود پرورش دهد و مودت را به عنوان اکسیر عظیم خانواده سالم و متعادل رعایت کند، هم چنین با پیوند عاطفه و عقلانیت در پرتو عنایات

الهی، سعادت واقعی را رقم بزند.

به راستی که هم ما و هم نهادهای فرهنگی و هم دولتمردان، در مقابل خانواده مسؤولیت داریم. کم توجهی و سستی در مقابل مسائل خانواده، سستی در مقابل آرمان‌های اصیل دینی است؛ زیرا هسته اولیه آرمان‌ها و اعتقادات، قبل از هر جایی از طریق خانواده شکل می‌گیرد. خانواده، کانونی متشکل از پدر و مادر و فرزندان است. زن و مردی که روزی جدا از هم زندگی می‌کردند، پس از وصلت و ازدواج، خود تشکیل دهنده خانواده می‌شوند. چیزی که انگیزه تشکیل خانواده می‌شود، عشق و علاقه به زندگی مستقل و نیز ارضای غرایز و از آن جمله غریزه عاطفه و آرام زیستن در کنار همسر است که قرآن نیز بدان اشاره می‌کند: «و مِّنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»^۱.

«و نشانه‌های خداوندی این است که از جنس خودتان برایتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرام گیرید».

در هر خانواده فرزندی متولد می‌شوند که باید تربیت شوند، البته تربیت به فرایندی الهی و معنوی، زیرا فرزند باید محصول چنین روندی باشد تا براساس فطرتش به سوی مقصد سیر نماید.

تربیت در عالم انسانیت مانند عشق به زیبایی در عالم هنر است. تربیت، کودک را نمی‌آفریند، بل او را در راه انسان شدن شکوفا می‌سازد. انسان شدن نتیجه‌ی منطقی تربیت درست است. در واقع تربیت، پاسخی معقول و رضایت‌بخش به معنای هستی کودک است. در خانواده اهل مسجد، تربیت راز و رمزهایی دارد که دانایی و توانایی و به کار بستن اصولی را می‌طلبد، تربیت شور و عشق می‌طلبد، و والدینی در این امر موفق‌اند که عملاً درست زندگی کنند و الگوی مناسب داشته باشند. باید دانست که انسان‌پروری، کودک نوازی و شکوفایی تنها در فضای عاطفی خانواده اهل ایمان و مسجد، شکل، قوت و استمرار می‌یابد. خانواده مسجدی، مهم‌ترین و اساسی‌ترین واحد اجتماعی است که بنای آن بر الفت، همدلی و همدمی استوار و این بنا محبوب‌ترین بناها در پیشگاه خداوند است. روابط آن بر مودت و رحمت پایه‌گذاری شده و گرمی کانون خانواده اهل نماز و مسجد مورد توجه عمیق اسلام است.

اما چگونه می‌توانیم خانواده‌ای ایده‌آل و متعادل و اهل مسجد داشته باشیم؟ این سؤالی است که این مقاله می‌کوشد، شاخصه‌ها و نمونه‌هایی کاربردی از آن عرضه کند تا با تمسک به این شاخصه‌ها و معیارها، قدمی در تعادل بهتر خانواده خویش برداریم. خانواده به عنوان هسته مرکزی تعلیم و تربیت از جهات گوناگون می‌تواند در امر تحکیم و تحریض اعضا برای نماز و مسجد، نقش داشته باشد. پدر و مادری که خود دارای تربیت صحیحی باشند، به طور طبیعی فرزندی معتقد و مؤمن تربیت خواهند کرد و فرزندان خانواده نیز در تعامل فکری و عملی می‌توانند در نحوه رفتار یکدیگر مؤثر باشند. همچنین پدر و مادرانی که به‌طور مرتب در فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی حضور پیدا می‌کنند، فرزندان‌شان نیز اجتماعی هستند و از همین رو نه‌تنها در نماز جماعت شرکت می‌کنند، بلکه در امور دیگر نیز حضوری فعال خواهند داشت.

خانواده‌ها باید مراقب اعمال و رفتار فرزندان خود باشند و آنان را ترغیب به شرکت در امور مساجد کنند، همچنین باید فرزندان‌شان را با تشویق‌های کلامی و غیرکلامی به مسجد سوق دهند. یقیناً خانواده اهل مسجد، در تمامی امور موفق و اسوه‌ای برای سایر خانواده‌ها در تمامی ابعاد خواهد بود.

اهمیت و نقش مسجد

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

«لا یرجع صاحب المسجد بأقل من احدى ثلاث: اما دعاء يدعو به
یدخله الله به اکنه، و اما دعاء يدعو به لیصرف الله به عنه بلاء الدنيا،
و اما أخ یستفیده فی الله عزوجل»^۲.

ملازم مسجد دست کم با یکی از این سه به خانه‌اش بر می‌گردد: با دعایی که به درگاه

۱. روم / ۲۱ .

۲. امالی، طوسی: ص ۴۷ .

خدا می‌کند و خداوند او را با آن دعا به بهشت می‌برد، یا دعایی می‌کند که به سبب آن خداوند بلای دنیا را از او برمی‌گرداند و یا برادری که در راه خدای عزوجل از وجودش بهره‌مند می‌شود.

در فرهنگ دینی، نام مسجد یادآور بندگی و کرنش در پیشگاه خداوند متعال است. مسجد به معنای جایگاه سجد، و سجده اوج عبادت و بندگی انسان برای خداست. در حقیقت برترین و اصلی‌ترین محل برای عبادت و تقرب جستن به خداوند متعال مسجد است. بنابراین در قرآن کریم بر جنبه‌های عبادی مسجد، بیش از هر بعد دیگر تکیه شده است.

مسجد، جایگاه عبادت و پرستش خالصانه خداوند است:

«و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً»^۱.

مسجد، جایگاه زمزمه و نجوای صادقانه با معبود است:

«واقیموا وجوهکم عند کل مسجد وادعوه مخلصین له الدین»^۲.

مسجد پایگاه عروج انسان از خاک به افلاک است:

«سبحان الذی اسرى بعیده لیلاً من المسجد الحرام الی

المسجد الاقصی»^۳.

مسجد زیارتگاه خاص خداوند است:

«الا طوبی لعبد تویض فی بینه ثم زارنی بیتی»^۴.

«خوشا به حال بنده‌ای که در خانه خویش وضو بگیرد، آنگاه مرا در

خانه‌ام زیارت کند».

یکی از نقش‌های اساسی مسجد، فراهم کردن زمینه عبادت جمعی و خالصانه است تا مؤمنان در آنجا با پرداختن به نماز و ذکر و دعا، زنگار غفلت از دل و جان بشویند و با خداوند متعال - به معنای واقعی کلمه - انس بگیرند.

ابعاد تربیتی مسجد به‌گونه‌ای با ابعاد عبادی آن مرتبط است؛ زیرا عبادت، پرورش دهنده روح و روان آدمی است و پاسخ به آن، پاسخ به نیازی طبیعی است. کسی که نیازهای جسمی و روانی خود را به طور منطقی پاسخ گوید، شخصیتی متعادل می‌پاید. عبادت و راز و نیاز با خداوند، نیاز واقعی و فطری هر انسان و مکمل (بلکه مقوم) شخصیت او است. البته عبادت در هر مکانی این نیاز روحی را نسبتاً تأمین می‌کند، ولی این نیاز در مسجد و عبادتگاه بهتر و کامل‌تر تأمین می‌شود. براین اساس باید گفت انسان فطرتاً معبد و مسجد را دوست می‌دارد و بدان عشق می‌ورزد.

مسجد با ایجاد آشنایی و پیوند میان مؤمنان و نخبگان و صالحان جامعه، بستری مناسب برای آموزش و تربیت و پرورش و در نهایت کمال ایشان فراهم می‌کند. در مکتب تربیت اسلامی بسیاری از مکاتب دیگر، «انزواطلبی» و «جمع‌گریزی» بیماری روحی شناخته می‌شود. در حالی که اجتماعی بودن و جمع‌گرایی نشانه‌ی سلامت روح و روان انسان و تعادل فکری او به حساب می‌آید. مسجد با فراخوانی پیوسته مسلمانان به جمع، روح جمع‌گرایی، انعطاف و نظم‌پذیری را در آنان تقویت می‌کند.

افزون بر آنچه گذشت، مسجد معمولاً جایگاه طرح مشکلات و مباحث اجتماعی است و به‌طور طبیعی با حضور در چنین مکانی، روح تعهد و دردمندی در فرد ایجاد می‌شود. مسجد پایگاه عمومی مسلمانان و محل حضور قشرهای گوناگون است. از این رو مسجد جایگاه مناسبی برای تعاون اجتماعی مسلمانان و مشارکت آنان در رفع نارسایی‌های اجتماعی به‌شمار می‌رود. مسجد در جایگاه اصیل خود الگوی ارزش‌گذاری است و ارزش‌های فراموش شده در مسجد مطرح می‌شود.

مسجد واحد اجتماعی کوچکی است، ولی نماد جامعه اسلامی و نمونه عینی حاکمیت ارزش‌های اسلامی به‌شمار می‌رود. بنابراین، تحقق ارزش‌هایی از قبیل تقوا، علم، جهاد، برادری، مساوات و عدالت، باید از مسجد آغاز شود.

۱. جن / ۱۸ .

۲. حج / ۴ .

۳. اسراء / ۱ .

۴. مستدرک وسائل الشیعه: ج ۲ ، ص ۳۶۲ .

مسجد صفابخش روح و جان

همه روزه با پخش صوت قرآن و اذان از ماذنه‌های مساجد، فضای شهر، آکنده از یاد خدا می‌شود و آدمی خسته از هیاهوی دنیا را به ماوایی فرا می‌خواند تا روح را از غبار مادیات زوده، دل را از زنگارها صیقل داده، نور ایمان را تجلی‌بخش وجود کرده و با نیروی عشق به خداوند، جان دوباره یابد.

هنگامی که صدای ملکوتی قرآن و اذان سراسر شهر را فرا می‌گیرد، رایحه معطر «کلام الهی» چشمان خفته را از خواب غفلت بیدار کرده، فکر و روح را به ملکوت برده و همه وجود انسان خدایی می‌شود. با بانگ اذان در سحرگاهان بوی عطر دل‌انگیز یار در همه جا می‌پیچد و رنگ خدا در تاریکی سحر تجلی بیشتری پیدا کرده و آن گاه حس می‌کنی تنها نیستی و کسی با توست که برایت محبت و عشق را فارغ از همه افت و خیزهای دنیا زمزمه می‌کند.

برخی از مردم در طی روز با شنیدن اذان به مسجد می‌روند و ضمن ادای فریضه نماز و حضور در این مکان مقدس غم‌ها و شادی‌های خود را با یکدیگر تقسیم می‌کنند و با تجدید بیعت روزانه مشکلات خود را به فراموشی می‌سپارند.

مسجد از دیرباز نقشی مهم در زندگانی تمام ایرانیان ایفا می‌کرده، زیرا حفظ، تعلیم و تفسیر قرآن کریم که سرآغاز آموزش و پرورش اسلامی است، در مساجد صورت می‌گرفته است؛ نقش مسجد فقط محدود به ادای نماز و یا عبادت نبوده و نیست، بل از آن به‌عنوان مرکز آموزش و پرورش نیز استفاده می‌شده است و این کار در زمان حاضر نیز در بسیاری از مساجد انجام می‌شود. مسجد همیشه و در هر زمان کانونی برای گردهمایی مسلمانان،

رسیدگی به امور آنان و اطلاع از مشکلات و مسائل جامعه مسلمانان، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است.

مسجد از زمان ظهور اسلام به عنوان «نماد اسلام» مطرح شد و پیامبر با سوق دادن عمده مراکز عمومی و حکومتی به مساجد، به واقع مسجد را کانون نظام سیاسی جهان اسلام قرار داد. حکومت اسلامی در زمان پیامبر برای اداره جامعه اسلامی، همواره سعی خود را برای رتق و فتق امور، معطوف به مساجد می‌کرد و مسجد در این زمان نه تنها به عنوان مکان ادای فرائض دینی بود، بلکه شکلی از عمارت نیز بود. بسیاری از تصمیم‌گیری‌های مهم سیاسی و اجتماعی نیز در مسجد صورت می‌گرفت و حتی طرح بسیاری از عملیات‌های نظامی در مساجد پیاده می‌شد. رفته‌رفته در نزد غیرمسلمانان در جهان، مسجد به یکی از مهم‌ترین مراکز و نمادی از اسلام به‌شمار رفت به طوری که موجودیت حکومت اسلامی نیز به آن شناخته می‌شد. به همین علت بود که خلفای اسلامی در سراسر سرزمین‌های فتح شده و به محض استقرار حکومت اسلامی در آن سرزمین‌ها، به ساخت مسجد می‌پرداختند.

مسجد، پایگاه وحدت امت اسلامی و محلی برای تقرب به درگاه الهی، مکانی است که در بین مسلمانان از جایگاهی ویژه برخوردار است. مسجد مهم‌ترین پایگاه برای شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران بود و نقش اساسی در پیروزی و شکل‌گیری انقلاب اسلامی داشته است.

مسجد می‌تواند بهترین پایگاه برای وحدت و هماهنگی بین مسلمانان و بهترین پایگاه برای مبارزه با هوای نفس و مبارزه با استکبار و استبداد باشد. این فضای فرهنگی پایگاه عبادت است و این پایگاه می‌تواند بهترین نقش را در از بین بردن مسائل ضد فرهنگی ایفا کند. مسجد مکانی است که مسلمانان را متحد می‌کند و می‌شود موضوعات مختلف به ویژه مشکلات مردم را در آن مطرح و حل کرد، مسجد محلی است که انسان را از گناه و معصیت باز می‌دارد و انسان را به خداوند نزدیک‌تر می‌کند.

مسجد پاک‌ترین مکان و تجلی‌گاه مقام ولای انسانی بر روی زمین است، بی‌آلایش‌ترین هدیه‌ای که به آستان نیلوفری دل زلال میهمانان خود تقدیم می‌کند قرب پروردگار است. بوی عطر و گلاب این مکان مقدس، مشام هر انسان تشنه نیاز به پرستش معبود را چنان پر می‌کند که گویی در این دنیای پر هیاهو نیستی و در آسمان لایتناهی پرواز می‌کنی. مساجد، این خانه‌های مقدس که در سکوتی معنادار، درهای رحمت و راز و نیاز را به روی مؤمنان می‌گشایند، نخستین سنگر مسلمانان و به خصوص مؤمنان هستند.

شاخصه‌های خانواده اهل مسجد

۱. محبت و صمیمیت

خانواده اهل مسجد، خانواده‌ای سرشار از محبت، صمیمیت و مهربانی است و از حیث عاطفی و آرامش روحی روانی، اسوه و الگویی برای سایر خانواده‌ها به شمار می‌رود. کودک می‌خواهد، پدر و مادر بیش از حد او را دوست بدارند و نسبت به او اظهار علاقه نمایند. فرزند چندان توجهی ندارد که خانواده‌اش در کاخ زندگی می‌کند یا در کوخ و یا لباس و خوراکش خیلی اعلاست یا نه، اما بدین موضوع کاملاً توجه دارد که آیا دوستش می‌دارند یا نه؟ این احساس درونی را چیزی جز اظهار محبت و نوازش خانواده مسجدی ارضا نمی‌کند.

اخلاق و شخصیت آینده فرزندان در همین اظهار محبت‌ها شکل می‌گیرد. همین آغوش گرم مادر اهل نماز و نیایش و نوازش‌های مخلصانه پدر اهل مسجد است که روح بشر دوستی و علاقه به هم‌نوع را در فرزند می‌دمد و برای اظهار همدردی و کمک به دیگران آماده‌اش می‌سازد و نیز از گوشه‌گیری و انزوا می‌رهاند. به واسطه محبت خانواده اهل مسجد است که فرزند احساس شخصیت می‌کند و خود را لایق دوستی می‌داند. همین استعداد عاطفی در انسان، با تضعیف خودخواهی و سوق دادن به سوی دیگران، سبب رشد بسیاری از فضایل در او می‌شود. این فضایل که در مسجد پایه‌ریزی و نهادینه شده‌اند، شامل کلیه کمالات از قبیل محبت و دوستی، ایثار و فداکاری، عفو و گذشت، بذل و بخشش، تعاون و همکاری، دلسوزی و غمگساری و به‌طور کلی تقدم غیر بر خود است.

که براساس «دیگرخواهی» در انسان پدید می‌آید. در همه این موارد، انسان برخلاف اقتضای خودخواهی‌اش، قدم از دایره تنگ «خود» فراتر نهاده، گامی به سوی غیر برمی‌دارد و با مقدم داشتن او بر خود، و در دل گرفتن مهر و علاقه او، از فردیت خویش خارج می‌شود. پیامبر اکرم فرمودند:

«آگاه باشید که مودت و دوستی مؤمن، از بزرگ‌ترین عوامل ایمان است»^۱.

و در جایی دیگر فرمودند:

«سوگند به آن که جانم به دست اوست، وارد بهشت نمی‌شوید مگر

این
که ایمان بیاورید و ایمان نمی‌آورید، مگر این که همدیگر را دوست
بدارید»^۲.

در نتیجه، نخستین ویژگی پرجسته خانواده اهل مسجد، محبت و صمیمیت میان اعضای آن است و خانواده فاقد صمیمیت و مهربانی، اهل مسجد و متعادل نامیده نمی‌شود.

۲. پرورش شخصیت و اعتماد به نفس

دانشمندان روان‌شناس می‌گویند، تربیت‌کننده باید شخصیت کودک را پرورش دهد و اعتماد به نفس را به او تلقین کند، هم‌چنین او را بزرگوار و با شخصیت بار بیاورد. خانواده‌هایی که به فرزندان احترام نگذاشتند، آنها را کوچک شمردند و شخصیت‌شان را خرد کردند، طبعاً فرزندان ترسو و بی‌شخصیت بار می‌آورند که خود را زیون و بی‌ارزش می‌پندارند. هنگامی که بزرگ شوند، خود را کوچک‌تر از آن می‌دانند که به کارهای بزرگ دست بزنند، چنین افرادی در اجتماع منشأ اثر واقع نخواهند شد و به آسانی زیر بار ذلت خواهند رفت.

اما اگر فردی در خانواده اهل مسجد رشد و نمو پیدا نماید، خودش را بزرگ و با شخصیت می‌داند، لذا به کارهای پست تن در نمی‌دهد و زیر بار خواری و ذلت نمی‌رود. البته این شخصیت نفسیانی تا حدودی به تربیت خانوادگی و روحیات پدر و مادر بستگی دارد. برای پرورش شخصیت انسانی کودک، باید صفات خوب او را یادآوری و او را در حضور خود و دیگران تعریف و توصیف نمود و بزرگی نفس را به او تلقین کرد که بهترین شیوه آن در خانواده‌های مسجدی و اهل نماز دیده می‌شود.

هم‌چنین خانواده اهل مسجد، کودکان خود را دوست می‌دارد، چرا که برخورداری از محبت، اساس عزت است. از سویی، اعتماد به نفس، انسان را در شناخت و انتخاب هدف

^۱ . بحارالانوار: ج ۷۴ ، ص ۲۸۱ .

^۲ . آداب تعلیم و تعلم در اسلام، شهید ثانی: ص ۴۵۸ .

عالی رهنمون می‌کند.

«امرسون» می‌گوید:

«اعتماد به نفس، اولین رمز پیروزی است و (در مقابل) فقدان آن

اندیشه را فلج می‌کند»^۱.

«دیل کارنگی» می‌نویسد:

«اگر از من بپرسند: چه کسی موفق است؟ خواهم گفت: کسی که

با قدرت تمام توانسته است، خودش را متقاعد کند که موفق می‌شود.

برای توفیق در کارها هیچ چیز به اندازه اعتقاد و ایمان به توانستن مؤثر

نیست. اگر از اجرای کاری بترسید و فکر کنید که قادر به اجرای آن نیستید،

تحت هیچ شرایطی آن کار را به نحو مطلوب نمی‌توانید انجام دهید.

ترس، نیروی محرکه ماشین را که باید بازده مطلوب و کافی داشته باشد،

از کار می‌اندازد و نقش ترمز را در آن ایفا می‌کند. در مقابل، اعتماد و ایمان

به توانستن و خواستن، شتاب چنین ماشینی را افزایش می‌دهد و بر

آرایی

آن می‌افزاید»^۲.

استاد فقید شهید مرتضی مطهری می‌گوید:

«اگر انسان خود واقعی را پیدا کند، دیگر احساس حقارت نمی‌کند؛

احساس قدرت و عظمت می‌کند، و تکبر و تجبر نمی‌کند، چون با روحش

ناسازگار است»^۳.

بنابراین، خانواده اهل مسجد و عبادت، پرورش دهنده شخصیت و تقویت کننده

اعتماد به نفس در فرزندان است. چرا که والدین فهیم و دلسوز به خوبی در مکتب مسجد

آموخته‌اند که فرزندان فاقد شخصیت و اعتماد به نفس، از آینده‌ای مبهم و تاریک برخوردار

خواهند بود.

۳. تربیت دینی

در خانواده اهل مسجد، اساس و پایه تربیت، متکی بر «تربیت دینی» است. خانواده خداپرست

از آن جا که جهان مادی را با تمامی نعمت‌ها و موهبت‌هایش همواره در حد «وسيله» می‌نگرد

و سعادت و نیک‌بختی خویش را هرگز در گرو عوامل مادی نمی‌داند، لذا نه تنها ناملایمات

و ناکامی‌ها، روحیه چنین خانواده‌ای را تضعیف نکرده و وضع روانی آنان را متزلزل

نمی‌گرداند، بل همین مشکلات و ناملایمات در حکم وسایل هستند که مانع تخدیر روحی

آنان شده و از هرگونه سستی حاصل از خو گرفتن به زندگی بی دغدغه، جلوگیری می‌کنند.

جهان سرد ماشینی و بی‌روح که در بینش مادی وجود دارد، برای خانواده با ایمان،

جهانی زنده، هوشیار، آگاه و سرشار از روح و معنا می‌گردد که به زندگی، روح، معنی

و هدف می‌بخشد.

در سایه تربیت دینی و مکتب مسجد، مجموعه جهان، به خصوص زندگی انسان، که از

علم و حکمت مطلق خداوندی سرچشمه گرفته است، تقدس می‌یابد و ارزشمند می‌شود؛

فعالیت‌های روزانه و تکالیف فردی و اجتماعی، در چارچوبی از «قداست و معنویت قرار

می‌گیرد، و دنیای مادی مقدمه‌ای می‌شود برای رسیدن به «عالم ابدیت و جهان آخرت».

تجربه تاریخی نشان می‌دهد، که هر کجا ایمان واقعی تجلی پیدا کرده، عالی‌ترین

جلوه‌های انسانی را با خود به همراه آورده است. عمیق‌ترین عواطف ملکوتی و پرهیجان‌ترین

شور، عشق و حرکت از دل‌هایی سرچشمه گرفته، که نور ایمان حقیقی در آن‌ها تابیده،

و همه جا را به نور خود روشن کرده است.

«ایمان به خدا» نه تنها به زندگی معنا می‌بخشد و آدمی را از «پوچی و بیهودگی»

و تنهایی و غربت رها می‌سازد، بلکه به آن روح و صفا می‌بخشد و شوق و حرکت می‌آفریند؛

گرمی و حرارت می‌دهد، و همچنین آرامش آمیخته با رضایت به همراه می‌آورد.

۱. ونیست پیل، معجزه اراده، ترجمه وحیبه آرمی: ص ۷۱.

۲. دیل کارنگی، رمز موفقیت: ص ۲۲۷.

۳. مرتضی مطهری، فلسفه اخلاق، صدا: ص ۱۸۴.

۴ . خلاقیت

خلاقیت و ابتکار عمل، ثمره شایسته خانواده‌های اهل مسجد و عبادت است، چرا که در چنین خانواده‌ای بستر برای رشد همه استعدادها فراهم است. لازمه خلاقیت، داشتن نگرش مثبت به فکر نو و کارهای نو است. به طور کلی ویژگی‌های تفکر خلاق را که در خانواده اهل مسجد بروز می‌کند، می‌توان این‌گونه بیان کرد:

- ۱ . جرئت و شهامت اظهار نظر؛
- ۲ . حقیقت جویی و در نظر گرفتن واقعیات؛
- ۳ . اجتناب از سطحی نگری؛
- ۴ . نگاهی غیر مرسوم به اشیا و پدیده‌ها؛
- ۵ . داشتن انگیزه و دانش وسیع؛
- ۶ . داشتن طرز تکفیر انتقادی؛
- ۷ . داشتن پشتکار و انضباط؛
- ۸ . افق‌های دید وسیع؛
- ۹ . تلاش اجتهادی.

این ویژگی‌ها، عمدتاً باید در خانواده‌های مسجدی، بروز کند و متجلی شود، چرا که شرایط رشد تفکرات خلاق فراهم است. والدین اهل نماز و مسجد، به فرزندان خویش، اعتماد به نفس می‌دهند و شرایط را برای اظهار نظر و کارهای خلاقانه فراهم می‌آورند و در چنین وضعیت خانوادگی، فرزندان خلاق و مبتکر و نوآور ظاهر می‌شوند.

۵ . نظم، انضباط و وقت‌شناسی

از جمله شاخصه‌های مهم اعضای خانواده اهل مسجد و نماز، رعایت نظم، انضباط و وقت‌شناسی است. هم‌چنان که انضباط و وقت‌شناسی از ارکان زندگی نمازگزار است، هر یک از افراد خانواده مسجدی باید برای رعایت حال دیگر اعضا، کارهای خود را منظم کند و در وقت مخصوص انجام دهد. در خانواده‌ای که نظم حاکم است، آرامش، صفا و صمیمیت برقرار است و همه افراد بدون نگرانی و ناراحتی و بدون این که مزاحمتی برای دیگران به وجود آورند، کارهای خود را انجام می‌دهند.

نظم و وقت‌شناسی، نشان دهنده پایبندی انسان به مقررات و برنامه‌های زندگی است و در موفقیت انسان بسیار تأثیر دارد. امیرمؤمنان، حضرت علی علیه‌السلام به دو فرزند عزیزش امام حسن و امام حسین علیهما‌السلام می‌فرماید:

«اوصیکما و جمیع ولدی و اهلی و من بلغه کتابی بتقوی اللّٰه و نظم امرکم»^۱.

«شما و همه فرزندانم و خاندانم و هر کس را که نامه‌ام به او می‌رسد، به تقوای الهی و نظم در امور سفارش می‌کنم».

از جمله نکات مهم و برجسته زندگی مردان بزرگ، نظم و وقت‌شناسی آنان است. در باره امام خمینی قدس‌سره نوشته‌اند: امام در عین پرکاری و تلاش مداوم، بسیار منظم بودند. در واقع یکی از اساسی‌ترین رموز موفقیت امام در زندگی، نظم ایشان بود. اطرافیان امام، زندگی ایشان را به صورت ساعت خودکار درک کرده بودند و از این‌رو دستور کار خود را از روی کار امام منظم می‌کردند. آنان دقیقاً می‌دانستند که امام چه ساعتی می‌خواهد، چه ساعتی بیدار می‌شود، کی باید چای بخورد و چه زمانی برای ملاقات بیرون می‌آید. هنگامی که امام در نجف بود، طلاب، ساعت‌های خود را از با در نظر گرفتن کارهای امام تنظیم می‌کردند.^۲ پس خانواده‌ای که فاقد نظم و انضباط باشد و از فرصت‌ها بهره نبرد، با خانواده اهل مسجد که سرشار از نظم و وقت‌شناسی است، فاصله‌ای بسیار دارد.

۶ . پاکی و طهارت جسم و جان

خانواده‌های مؤمن، نمازگزار و مسجدی از سلامت جسمانی و روانی برخوردارند، چرا که آلودگی هر یک از این دو، انسان‌ها را از تعادل خارج می‌سازد و آنان را در مسیری

^۱ . نهج البلاغه، فیض الاسلام: نامه ۴۷ .

^۲ . مجله با معارف اسلامی آشنا شویم: ش ۵۱ ، ص ۱۰۳ .

ناشایست قرار می‌دهد.
در اسلام، نظافت و طهارت به اندازه‌ای اهمیت دارد که یکی از هدف‌های دین،
و جزئی از ایمان شمرده شده است:

«خداوند نمی‌خواهد برای شما رنج و زحمتی ایجاد کند، اما می‌خواهد
شما را پاک کند و نعمت خویش را بر شما تمام نماید، باشد که سپاس‌گزار
نعمت‌های او باشید»^۱.

در روایتی از پیامبر اکرم نقل شده است که:

«پاکیزگی جزو ایمان است»^۲.

و امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

«پاکیزه کردن منزل، نیازمندی را برطرف می‌کند»^۳.

هم چنین امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

«مسواک کردن از آداب پیامبران است»^۴.

خانه پیامبر که الگویی برای همه خانواده‌های اهل مسجد به شمار می‌رود، با همه
سادگی، همیشه پاکیزه بود. آن رسول بزرگوار می‌فرمود: محوطه جلو خانه خود را جارو بزنید
و تمیز کنید. آن بزرگوار مردم را از ناشسته رها کردن ظرف‌های غذا، هم‌چنین از بدون
سرپوش گذاردن ظرف آب و غذا نهی می‌کرد. رسول گرامی دستور داده بود که آب‌ها را
مطلقاً آلوده نسازند و در موقع شست و شوی بدن، داخل نهرها نشوند.

پس اگر ما بخواهیم، الگویی برای خانواده اهل مسجد و نمازگزار ارائه نماییم،
از جمله شرایط چنین خانواده‌ای، تاسی کردن به کلام خداوند و دستورهای پیشوایان دین
و پاکیزگی جسم و جان از هر نوع پلیدی و ناپاکی است، به عبارت دیگر سلامت جسم و جان،
نقطه آغازین تکامل اعضای خانواده اهل مسجد است.

۷. عدالت

خانواده اهل مسجد، عدالت را در همه مراحل زندگی و امور رعایت می‌کند، چرا که خانواده
فاقد عدالت از حالت تعادل خارج می‌شود و نمی‌تواند پرورش دهنده انسان‌های بزرگ در
آینده باشد.

سعادت‌مندی هر خانواده در گرو تعادل در مهر و محبت بین اعضا و فرزندان است؛
زیرا در فرزندان تمایلات و استعدادها گوناگون و بلکه متناقضی وجود دارد که اگر پدر
و مادر عدالت و مساوات را رعایت نمایند و فرزندی یا عضوی را بر دیگری ترجیح دهند،
قطعا دشواری‌هایی ایجاد می‌شود و چه بسا آرامش خانواده‌ای در خطر بیفتد و گاهی سرچشمه
کینه‌توزی‌ها و بدبینی‌ها را در همین جا باید پیدا کرد. بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها سه خطر را
متوجه خانواده‌ها می‌سازد:

۱. فرزند به خواهران و برادران خود که محبوب‌تر از او هستند، بدبین می‌شود و کینه
به دل می‌گیرد.

۲. نسبت به والدین احساس خشم و کینه می‌کند.

۳. این بی‌اعتنایی و تبعیض‌ها، شخصیت طفل را ضعیف می‌کند و موجب می‌شود
وی در همه مراحل زندگی احساس حقارت کند.

در خانواده نمازگزار و اهل مسجد، والدین در توزیع توجه، محبت و نگاه به فرزندان،
براساس آموزه‌های پیشوایان دین با نهایت عدالت و انصاف رفتار می‌کنند و به فرزندان خود
مستقل از جنسیت، سن و سال و زیبایی و هوش، محبت می‌کنند و از مقایسه بین فرزندان خود
که موجب ناراحتی و آزرده‌گی خاطر می‌شود پرهیز می‌نمایند.

پس خانواده مسجدی در همه امور از افراط و تفریط پرهیز می‌کند، و برای این که
زمینه‌های ارتقای علمی و معنوی فرزندان خویش را فراهم کند، عدالت را به معنای واقعی آن

۱. مائده / ۶ .

۲. مفاتیح السعادة، محمد حسابدار، انتشارات توشه، اراک: ص ۹۵ .

۳. مأخذ قبل.

۴. مفاتیح السعادة.

در هر امری در خانواده در نظر می‌گیرد.

۸. مشورت

از جمله شاخصه‌های اعضای خانواده مسجّدی، توجه به اصل مشورت و همفکری در اداره زندگی خانوادگی است. پدر و مادر و فرزند باید در سامان بخشیدن به امور زندگی و تنظیم برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌ها از این امر مهم استفاده کنند. تحکّم و زورگویی، امر و نهی‌های یک طرفه و رفتارهای تحقیرآمیز، صفا، صمیمیت، رفاقت و دوستی را از محیط خانه دور می‌کند.

پدران و مادرانی که در کمال صداقت و یک رنگی و ضمن احترام به شخصیت فرزندان‌شان، با آنان مشورت و در امور خانه از فکر و نظرشان استفاده می‌کنند و آمرانه با آنان سخن نمی‌گویند، این عمل آنان موجب خواهد شد که فرزندان نیز به والدین خود احترام بگذارند و با آنان مشورت کنند، همچنین اسرار زندگی خود را با ایشان در میان بگذارند و از راهنمایی‌های آنان استفاده کنند.

در چنین خانواده‌های متعادل و مسجّدی، نوجوانان و جوانان، احساس می‌کنند که عضوی از خانواده هستند و به نظرهای آنان توجه می‌شود. بنابراین از بسیاری انحرافات ناشی از کمبودهای عاطفی و شخصیتی همچون احساس حقارت، کینه‌جویی و یا خشونت و گریز از خانه در امان می‌مانند.

در مورد اهمیت مشورت در همه امور به ویژه در خانواده، امیرمؤمنان، حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«با افراد آزموده و صاحب تجربه هم‌نشین باش، چرا که آنان تجربه‌ها را با گران‌ترین بها به دست آورده‌اند و تو آن متاع گران قیمت را با ارزان‌ترین قیمت به دست می‌آوری»^۱.

وجود شوراهای خانوادگی سبب می‌شود که رفتار فرزندان تحت کنترل در آید و آنان دریابند که در همه اعمال و رفتار آزاد نیستند، همچنین در روابط و عمل‌کردها باید دیگران هم به حساب آیند و هنجارهای جمعی‌شان پذیرفتنی باشد تا بتوانند راه زندگی را بدون لغزش طی کنند.

شور و مشورت‌های خانوادگی، رابطه اعضای خانواده را هم دوستانه می‌کند و هم قدمی در راه انس و الفت بیشتر برداشته می‌شود. مرد، رئیس شورا، زن، معاون، و فرزندان، صاحب رأی و نظرند و این در رشد سیاسی و اجتماعی‌شان فوق‌العاده مؤثر است.

۹. دانشجویی و حقیقت‌طلبی

دانش‌جویی و طلب علم از شاخصه‌های مهم خانواده مسجّدی و نمازگزار است، چرا که دین اسلام علم را چراغ عقل، زینت اغنیا، جمال فقرا و بهترین هدایت می‌داند و هیچ گنجی را نافع‌تر از علم نمی‌داند.

پیامبر اکرم فرمود:

«العلم رأس کل خیر والجهل رأس کل شر»^۲.

«دانایی سرآمد همه خوبی‌ها و نادانی سرآمد همه بدی‌هاست».

والدین اهل مسجد، باید فرزندان خود را به علم و دانش تشویق نمایند و فضایل، ارزش‌ها و مزایای علم و علما را به آنان تذکر دهند، و یادآور گردند علما و دانشمندان، وارثان انبیا و پیامبران‌اند که بر کرسی‌هایی بلند، فرازنده و درخشان از نور جای دارند، جایگاهی که انبیا، شهدا و جانبازان راه خدا، این موجودات مقدس و الهی، به آن غبطه می‌خورند.

خانواده‌ای که در مسجد رشد و تعالی یافت می‌داند که علم و آگاهی، نخستین شرط موفقیت انسان، بلکه پایه و اساس سعادت اوست، و خوشی‌های دنیا و آخرت به وسیله علم به دست می‌آید. بنابراین همه تلاش خویش را در فراگیری دانش و حقیقت به کار می‌بندد. علم، سبب رشد عقلانی انسان است و استعدادهای نهفته وجودی را به فضیلت می‌رساند.

^۱ . نهج‌البلاغه، ابن ابی‌الحدید: ج ۲۰ ، ص ۳۳۵ ، کلمه ۸۴۶ .

^۲ . هدایة العلم: ج ۲ ، ص ۹۹۴ .

امام صادق علیه‌السلام در سخنی فرمودند:
 «كثرة النظر في العلم يفتح العقل»^۱.
 «درس خواندن و مطالعه مستمر و زیاد، عقل را شکوفا می‌کند».
 خانواده اهل مسجد، به خوبی می‌دانند که انسان بدون آگاهی و شناخت راه‌های موفقیت و شرایط بهتر زندگی کردن، نمی‌تواند به کمال برسد.
 حضرت علی علیه‌السلام به کمال فرمود:
 «ما من حركة الا و انت محتاج الي معرفته»^۲.
 «ای کمال، هیچ حرکت و کاری پیش نخواهد رفت، جز این که در باره آن شناخت لازم را داشته باشی».

۱۰. آزادی اندیشه
 در خانواده اهل نیایش و مسجد، امکان اندیشیدن برای همگان فراهم است؛ روحیه تحقیق و تتبع، نتیجه آزادی اندیشه است. در چنین خانواده‌ای، حس کنجکاوی فرزندان تحریک می‌شود و در نتیجه میل به فکر کردن، مطالعه، و تحقیق کردن افزایش پیدا می‌کند و این خود مؤثرترین فعل تربیتی است؛ زیرا فرزندان به توانمندی‌های فردی و اجتماعی خود واقف می‌شوند و به هر چیز که در اطراف آنان می‌گذرد، با دقت و کنجکاوی می‌نگرند.
 در چنین خانواده اهل مسجدی، قدرت اندیشیدن و مواجهه با اندیشه‌های دیگران فوق‌العاده تقویت می‌شود و با توجه به این که تربیت، یعنی حرکت به سمت بهتر شدن، یعنی راضی و قانع نبودن به وضع موجود، این که انسان هنوز وظایف خود را به خوبی انجام نداده است، لذا با امید و اعتماد به آینده، قدم‌هایی برای ادای مطلوب وظایف بر می‌دارد، و لازمه این امر، برخورداری انسان از آزادی اندیشیدن است که زمینه و بستر آن در خانواده اهل مسجد و نمازگزار وجود دارد. ضمناً میان آزادی در اندیشیدن با امید به آینده رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد، به هر میزان انسان‌ها از قدرت اندیشیدن بیش‌تری برخوردار باشند، به آینده امیدوارتر می‌شوند و برعکس یأس و ناامیدی در میان کسانی پرورش می‌یابد که فقط به يك قرائت و يك نوع اندیشیدن پای بند هستند و آن چه را که خود می‌اندیشیده‌اند، مطلق می‌انگارند و در مواقع ناکامی، بذر یأس و ناامیدی در جامعه می‌افشانند.
 در خانواده مسجدی، آزادی اندیشه، مقدمه آزادی عقیده است. با آزادی اندیشه، عقیده، کامل و بلکه تصحیح می‌شود و آزادی عقیده بستر تربیت صحیح، درونی و ماندگار است.

عقل باید طوری پرورش یابد که بتواند افکار و عقاید گوناگون را بسنجد و درباره آن‌ها قضاوت کند. قرآن مجید، هدایت و ارشاد خدا را شامل کسانی می‌داند که به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن‌ها را پیروی می‌کنند.^۳

۱۱. مقاومت در برابر سختی‌ها
 خانواده اهل مسجد به خوبی در برابر سختی‌ها و شداید مقاومت می‌کنند، چرا که می‌دانند مواجهه با شداید، مربی، مکمل، صیقل دهنده، جلابخش و کیمیا اثر است.
 دانشمندان معتقدند بزرگ‌ترین دشمنی که در حق اطفال و کودکان می‌شود، این است که پدران و مادران ناآگاه از اصول تربیتی برای محبت و مهربانی کردن به فرزندان‌شان

۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل: ج ۲، ص ۲۸۷.

۲. تحف العقول: ص ۱۱۹.

۳. زمر / ۱۸.

استفاده می‌کنند. یعنی نوازش‌های بی‌حساب، مانع شدن از برخورد با سختی، ناز پرورده بار آوردن آنان و امثالهم، که این‌ها موجب می‌شود طفل ضعیف و ناتوان بار آید.

ژان ژاک روسو در کتاب امیل می‌گوید:

«اگر جسم، در آسایش پیش از اندازه باشد، روح فاسد می‌شود؛ کسی

_____ ک

درد و رنج را نشناسد، نه لذت شفقت را می‌شناسد و نه طراوت ترجم را، چنین کسی قلبش از هیچ چیز متأثر نخواهد شد و بدین سبب شایسته معاشرت نیست زیرا مانند دیوی خواهد بود در میان آدمیان»^۱.

خانواده مسجدی به خوبی می‌داند که خداوند برای تربیت و پرورش جان انسان‌ها دو برنامه تشریحی و تکوینی دارد و در هر برنامه، شداید و سختی‌ها را گنجانده است. در برنامه تشریحی، عبادات را فرض کرده و در برنامه تکوینی، سختی‌ها را بر سر راه بشر قرار داده است؛ گرسنگی، ترس، تلفات مالی و جانی، شدایدی است که در تکوین پدید آورده شده تا موجب تکمیل نفوس و پرورش استعدادهای عالی انسانی شود.

گوته در مورد تأثیر آلام و شداید در روحيات انسان می‌گوید:

«آلام و شداید، هوش انسان را تیزتر می‌کند و طوفان حوادث،

روحيات انسان را تقویت می‌نماید»^۲.

افراد قوی و نیرومند کسانی هستند که در گهواره رنج، پرورش یافته‌اند. آنان می‌توانند در برابر بزرگترین مصایب مقاومت کنند، ولی کسانی که در مهد عزت و نعمت پرورش یافته‌اند، با يك نسیم سرد پژمرده و با يك باد شدید از جای کنده می‌شوند.

۱۲. اعتدال

اساس خانواده متعادل و مسجدی بر اعتدال بنا شده است لذا به افراط و تفریط کشیده نمی‌شود. خدای متعال امت اسلامی را امتی متعادل و میانه معرفی می‌کند. امت میانه یعنی

_____ امتی
که همه برنامه‌هایش در حد اعتدال باشد و باید توجه داشت که راه و رسم اعتدال، کوتاه‌ترین

و استوارترین راه تربیت است.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«بر تو باد میانه‌روی؛ زیرا یاری کننده‌ترین چیز برای خوب زندگی

کردن است»^۳.

در حقیقت سلامت فرد و جامعه در گرو تربیتی متعادل است. روان‌شناسی تربیتی ثابت کرده است که هرگاه انسان از مسیر اعتدال خارج شود، نقطه آغازین انحراف و گمراهی وی همان نقطه خروج از اعتدال خواهد بود. پس خانواده اهل مسجد، آن خانواده شایسته‌ای است که اعتدال را در همه زمینه‌ها رعایت و اجرا کند، چرا که خانواده نامتعادل از رشدی يك بعدی برخوردار است و ارزش‌هایی که از طریق آن حاصل می‌شود. از آن جا که تك بعدی است تبدیل به ضد ارزش و ضد هنجار می‌شود.

در نتیجه باید اذعان داشت که اعتدال یکی از ارکان خانواده اهل مسجد است، فی‌المثل در مسائل اقتصادی ریخت و پاش وجود ندارد و از سوی دیگر سختگیری بی‌حساب هم نیست. نه بریز و بپاش است و نه بخور و نمیر.

۱۳. اقتصاد مناسب

اقتصاد مناسب و شایسته، ویژگی دیگر خانواده اهل مسجد است. پیشوایان معصوم علیه‌السلام تدبیر اقتصادی را بخشی از دین و از نشانه‌های مؤمن برشمرده‌اند.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

«من علامات المؤمن... حسن التدبیر فی المعیشة»^۴.

۱. مرتضی مطهری، بیست گفتار: ص ۱۸۳.

۲. جعفر سبحانی، رمز پیروزی مردان بزرگ، انتشارات نسل جوان: ص ۱۵۵.

۳. غررالحکم: ج ۲، ص ۲۳ و ۲۴.

۴. وسائل الشیعه: ج ۱۲، ص ۴۲.

«از نشانه‌های مؤمن، تدبیر نیکو در معیشت (اقتصاد) است».
غفلت از مال یا سوء تدبیر در خصوص آن، زاینده فقر، و فقر زمینه‌ساز کفر است.
تأمین آبرومندان و کریمانه معیشت خانواده، از ویژگی‌های مطلوب خانواده مسجدی و مؤمن است.

هم چنین لازمه داشتن اقتصاد مناسب، کار، تلاش و فعالیت است. کار و تلاش از عوامل خوش‌بختی و سعادت انسان، مایه نجات او از افسردگی؛ موجب شادی و نشاط روان، سبب رشد و سلامت اعضا، عامل استقلال و سرپا ایستادن، و مانع رنج‌ها و غصه‌هاست. فقر و ناداری، بلایی مخوف و مصیبتی جان‌کاه برای انسان است. بخشی از درگیری‌های خانواده، سستی‌ها و سردی‌ها در روابط و بی‌اعتنایی به حقوق و مقام همسر، به علت جنبه‌های مالی به ویژه با فقر و تنگ‌دستی است.

خانواده مسجدی به این مسائل وقوف کامل دارد و از اقتصادی مناسب و شایسته برخوردار است. فقدان کار و معیشت مناسب، برابر است با فقر و ناداری، و هر کجا که پای فقر باز شد، معضلات رشد می‌کند و زمینه‌های ارتقا و تعالی اعضای خانواده مسدود می‌شود.

۱۴ . ساده زیستی

با يك بررسی عقلاانه، درباره زندگی‌های تجملاتی و تشریفاتی به این نتیجه می‌رسیم که با پرهیز از چشم و هم‌چشمی‌ها و تقلید نکردن از رسم‌های غلط و نیر بی‌اعتنایی به حرف‌های بی‌ارزش افراد نادان، چنان چه زندگی‌مان با نظم و حساب و قناعتی صحیح همراه باشد، ناراحتی‌ها و نگرانی‌ها از بین می‌روند و به آرامش واقعی می‌رسیم، چرا که آسایش واقعی در ساده‌زیستی نهفته است.

در این زمان که تقلید از يك دیگر و نیز از رسوم غلط، اساس زندگی صحیح اسلامی و انسانی را با خطرهایی روبه رو کرده، حرکتی فرهنگی و بازدارنده از سوی خانواده‌های اهل مسجد، ضروری است تا با الگو قرار دادن تعالیم سعادت‌بخش اسلام، مردم عزیزمان خصوصا نسل جوان، با بینش بهتر و آگاهی بیشتر در کمندهای نامرئی شیطان و استکبار جهانی گرفتار نشوند. در مورد زندگانی پیامبر نقل شده است:

«و كان خفيف المؤنة»^۱

«پیامبر اکرم زندگانی ساده و کم هزینه‌ای داشت».

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«پیامبر به کمترین مقدار از نعمت‌های دنیا بسنده می‌کرد. کم می‌خورد، کم می‌نوشید و جامه‌ای بسیار ساده می‌پوشید. زندگی او در خانه،

ی‌تکل

و آکنده از عشق، آرامش و محبت بود. از غذایی که به آن رغبت نمی‌کردند، عیب‌جویی نمی‌کردند، روی زمین می‌نشستند و با بینوایان غذا می‌خوردند».

خانواده اهل عبادت و مسجد نیز با الگوبرداری از زندگانی پیامبر و پیشوایان دین که کامل‌ترین نوع زندگانی را داشتند، ساده زیست هستند، چرا که تجربه ثابت کرده است، اگر خانواده‌ها از مسیر ساده زیستی خارج شوند، به عرصه رقابت و چشم‌هم‌چشمی وارد می‌شوند و در نتیجه همه نیرو و توان آنان در این زمینه هدر می‌رود و از تکامل حقیقی فاصله خواهند گرفت.

۱۵ . تربیت عقلانی

تربیت عقلانی شاخصه ممتاز خانواده مسجدی است؛ زیرا در وجود انسان هیچ موهبتی به اندازه عقل و نیروی تفکر، ارزش حیاتی و انسانی ندارد. نقشی که تعقل در زندگی انسان و در سعادت، تکامل و موقعیت وی در رویارویی با مشکلات بنیادین دارد، مقایسه شدنی با هیچ نیروی دیگری نیست.

اصولاً قوای خدادادی و موهبت‌ها هنگامی برای انسان سودمند است که تحت رهبری و اختیار کامل عقل باشد، هم‌چنین مواهب اکتسابی تنها از طریق به کارگیری قوای عقلانی و نیروی تفکر به دست می‌آید.

۱ . وسائل الشیعه: ج ۵ ، ص ۵۴ .

برخورداری انسان از موهبت ایمان، معرفت و دانش گرفته تا موهبت‌های زودگذر مادی دیگر، همه و همه در سایه تعقل و تفکر بوده و هم چنین هر نوع تکامل و ترقی معنوی و مادی انسان مرهون به کارگیری این موهبت بزرگ و مقدس است. پس چه موهبتی با ارزش‌تر و مقدس‌تر از این نیرو، که وقتی انسان متحیر، برای رفع تحیر خویش به آن تمسک می‌جوید، او را به راه صلاح و مستقیم رهنمون و باعث می‌شود که او راه هدایت را از ضلالت، و سعادت را از فساد و تباهی تشخیص دهد. از پیامبر نقل شده است:

«خداوند به بندگانش چیزی بهتر از عقل نبخشیده است، زیرا خوابیدن عاقل از شب بیداری جاهل و نادان بهتر است و در منزل بودن عاقل از مسافرت جاهل (به سوی حج و جهاد) نیکوتر است و خداوند، پیامبر و رسولی را مبعوث نکرد، مگر زمانی که عقل او کامل شد و بر عقول همه امتش برتری یافت»^۱.
ضمناً با تأمل در قرآن متوجه می‌شویم که روی سخن قرآن همه جا با اندیشمندان، متفکران و صاحبان خرد است.

خواجه عبدالله انصاری قدس سره می‌گوید:
«خدا یا، به کسی که عقل دادی چه ندادی؟ و به کسی که عقل ندادی چه دادی؟»
پس در خانواده اهل مسجد و با ایمان است که با شکوفایی «قوای عقلانی» همگان به رشد مناسب و شایسته خویش می‌رسند.

۱۶. تصمیم‌گیری و قاطعیت

در خانواده‌ای که اعضای آن حضوری فعال در مسجد دارند، افرادی ظاهر می‌شوند که انسان‌هایی با اراده و جدی هستند و همیشه در هنگام انجام دادن کارها اراده را حاکم می‌کنند نه عادت را.

اراده استوار و تصمیم قاطع است که می‌تواند در لحظات حساس زندگی و در پیچ و خم مشکلات، دودلی و سستی را از بین ببرد و انسان را از پیچ و خم مشکلات عبور دهد و در مخاطرات پاری کند.

با مطالعه تاریخ درخشان زندگانی کاشفان، مخترعان، سیاستمداران و متفکران بزرگ به این حقیقت می‌رسیم که همه پیشرفت‌ها و موفقیت‌های آنان مرهون اراده قوی، عزم راسخ و پشتکار فوق‌العاده آنان بوده که وقتی برای رسیدن به هدفی تصمیم می‌گرفتند، هیچ مانعی نمی‌توانست آنان را از تصمیم خویش منصرف کند و تردید و تزلزل را جانشین آن سازد.

حضرت علی علیه‌السلام نمونه کامل قاطعیت و استواری در تصمیم‌گیری و تسلیم‌ناپذیری است، در سخن پر ارجی که نشان دهنده همت بلند ایشان است، فرمودند:

«والله لو تظاهرت العرب علی قتالی ما ولیت عنها»^۲.
«سوگند به خدا، اگر تمام عرب به جنگ با من برخیزند، هرگز در صحنه نبرد پشت به آنان نخواهم کرد».
و هم او هنگامی که پرچم را در جنگ جمل به دست پسرش، محمد حنفیه داد، با این جملات به وی درس قاطعیت آموخت:

«تزلزل الجبال و لاتزل»^۳.
«اگر کوه‌ها متزلزل شدند، تو تکان نخور».

اراده و تصمیم‌گیری صحیح از جمله رموز موفقیت خانواده اهل مسجد است، چرا که تا وقتی انسان اراده و عزم راسخ نداشته باشد، رسیدن به موفقیت در کار محال است. سست بودن اراده و تصمیم‌گیری در خانواده موجب می‌شود ساده‌ترین کارها را نتوانند انجام

^۱ . اصول کافی، ج ۱ ، کتاب عقل و جهاد.

^۲ . نهج البلاغه: خطبه ۴۵ .

^۳ . مأخذ قبل: خ ۱۱ .

دهند و به خانواده‌ای بی‌هدف و سرگردان تبدیل شوند. به راستی افرادی که در خانواده‌ای مسجدي و نمازگزار رشد و نمو می‌نمایند، متفکرانه تصمیم می‌گیرند و در طوفان مشکلات سرخم نمی‌کنند.

۱۷ . اجتماعی بودن

خانواده‌ای که حضوری فعال در مساجد دارد، خانواده‌ای جدای از اجتماع و مردم نیست، چرا که نوع زندگی انسان و نیازهای او همانند تهیه آب، غذا، مسکن، لباس، ابزارهای زندگی و ضرورت‌های آن در ابعاد گوناگون فرهنگی، صنعتی، اقتصادی و امثالهم انسان‌ها را به گردهمایی، تقسیم کار و تنظیم امور برای تسهیل در تأمین نیازهای یکدیگر وادار می‌کند. انسان به لحاظ میل باطنی خویش با دیگران رابطه و معاشرت و همزیستی دارد. حتی اگر ترس از حیوانات یا نیازهای متنوع و یا عوامل دیگر وجود نمی‌داشت، باز هم انسان به زندگی اجتماعی تمایل داشت، براساس همین نکته است که انسان را مدنی بالطبع خوانده‌اند.

در سخنان پیشوایان دین نیز به اجتماعی بودن انسان به طور صریح اشاره شده است.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«بدانید که معاشرت مردم برای زندگی شما لازم است و کسی نیست که تا زنده است از مردم بی‌نیاز باشد، زیرا وجود شما برای همدیگر لازم است»^۱.

اسلام که خیر و سعادت خانواده متعادل را تأمین و تضمین می‌نماید، دینی است که بسیاری از دستوره‌های آن در اجتماع تحقق پیدا می‌کند. حتی می‌توان گفت که مجموع برنامه‌های فردی آن نیز با اجتماع پیوند دارد و براساس مصالح فردی و اجتماعی تنظیم شده است. نماز جمعه و جماعت، روزه، زکات، خمس، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و ده‌ها نمونه دیگر، غالباً با توجه به مصالح فردی و اجتماعی تنظیم و مقرر گردیده‌اند. اسلام با دیدی همه‌جانبه و براساس هدف‌های خلقت و با در نظر گرفتن مصالح بندگان خدا، می‌کوشد تا خانواده‌ها در صحنه‌های گوناگون اجتماعی حضور یابند و در مسابقه‌های بزرگ به رقابت بپردازند و به رشد و بالندگی در علوم و فنون گوناگون و کسب مدارج کمال و مدال‌های افتخار نایل آیند.

از امام صادق علیه‌السلام روایت شده که فرموده است:

«من فارق الجماعة قید شیر خلع ريقه الاسلام من عنقه»^۲.

«هر کس به اندازه وجبی از اجتماع دوری گزیند، بند اسلام را از گردن خود در آورده است».

بنابراین خانواده پرورش یافته در مکتب مسجد، تحت هیچ شرایطی خود را از جامعه جدا نمی‌داند، بلکه در جامعه فعالیت می‌نماید و در ارشاد و بازسازی جامعه نیز تمام تلاش خود را به کار می‌بندد.

۱۸ . هدفمند بودن

از دیگر شاخصه‌های ممتاز خانواده اهل مسجد، هدفمند بودن است. خانواده‌های هدفدار که شیوه رسیدن به هدفشان را در مکتب مسجد آموخته‌اند، نه تنها در زندگی شکست نمی‌خورند، بلکه احساس می‌کنند، قدرت، اراده و اختیار فزون‌تری کسب کرده‌اند، از این رو سعی بیشتری در راه رسیدن به تکامل می‌کنند. روان‌شناسان معتقدند که انسان در لحظه‌هایی رشد می‌کند که تصمیم می‌گیرد هدفی را دنبال کند و چنین افرادی در امور زندگی همواره موفق‌اند.

البته در هر حرکتی باید بدانیم چه می‌خواهیم، به کجا باید برویم و از چه ابزارهایی برای رسیدن به مقصد بهره ببریم، تا بتوانیم بهترین راه رسیدن به آن را برگزینیم زیرا تا مقصد و مقصود برای ما مشخص نباشد، انتخاب راه و رسیدن به آن هم مقدور نخواهد بود. خانواده‌های بلند همت اهل مسجد، زمانی که توفیقی به دست می‌آورند،

^۱ . وسائل الشیعه: ج ۱۲ ، ص ۷ .

^۲ . بحارالانوار: ج ۲۷ ، ص ۷۲ .

کوشش می‌کنند با انتخاب هدف‌های عالی‌تر و کوشش‌های جدی‌تر آن را وسیله تکامل بیشتر قرار دهند و از آن عبور کنند و به موقعیت بهتری دست یابند. در واقع هدف عالی برای آنان به سان آب زلالی می‌شود که به ریشه شخصیت انسانی آنان نفوذ کرده است و آن را شکوفا و بارور می‌سازد.

افرادی که از محیط‌های کوچک و با امکانات کم و زمینه‌های نامساعد به موفقیت‌های شگفت‌انگیز دست یافته‌اند، این حقیقت را به خوبی ثابت کرده‌اند که انتخاب هدف و ایمان به آن می‌تواند ایشان را به اوج کمال برساند.

بسیاری از جوانان، می‌پندارند که توفیق و خوشبختی، هدف و کیمیایی است که خارج از وجود آنان است و اگر ستاره‌ی اقبال و شانس در آسمان زندگی کسی بدرخشد، او را به موفقیت و خوشبختی خواهد رساند. این‌گونه افراد باور ندارند که موفقیت زاینده اندیشه و عمل خود انسان است، انسان با ایمان و توکل به خدا و تلاش و کوشش خویش می‌تواند آینده خود را بسازد. از این‌رو موفق‌ترین افراد کسانی هستند که با تاسی به تعلیمات مکتب مسجد به عمق وجود خود پی می‌برند و عملاً عالی‌ترین بهره‌ها را از ذخایر وجودی خویش می‌برند.

اصول ساده موفقیت و رسیدن به هدف عبارت است از:

۱. شکست را فراموش کنید؛
۲. خود را بشناسید؛
۳. فکر کنید و بر تفکر خود مسلط باشید؛
۴. تصمیم درست و منطقی اتخاذ کنید؛
۵. به خودتان اعتماد کنید؛
۶. به پیروزی ایمان بیاورید و باور کنید، خواستن توانستن است.

۱۹. تقسیم کار

در هر خانه کارهای گوناگونی وجود دارد، کسب درآمد، خرید نیازهای زندگی، پخت و پز، نظافت و بسیاری از مسائل دیگر، طبیعی است که انجام دادن این امور به دست یک تن بسیار طاقت‌فرسا و شاید غیرممکن باشد، پس باید با تقسیم کار، همه نیازهای خانواده را تأمین کرد. از این‌رو هر یک از اعضای خانواده مسجدی باید متناسب با شان و منزلت، ذوق و سلیقه، هنر و توان خود، باری از زندگی را بر دوش گیرند.

حضرت علی و فاطمه زهرا علیهما السلام پس از ازدواج، از رسول خدا درخواست کردند که کارهای زندگی را بین آنان قسمت کند، آن چنان که هر یک وظیفه خود را بدانند و رسول خدا فرمودند: کارهای داخل خانه با فاطمه زهرا و کارهای بیرون خانه با علی باشد.

فاطمه زهرا علیها السلام بعدها فرمود: خدا می‌داند که این تقسیم، مرا بسیار خرسند

ساخت،

زیرا از رنج وارد شدن در اجتماع مردان معاف شدم.

بنابراین در خانواده پرورش یافته مکتب مسجد، تقسیم کار به نحوی مطلوب و شایسته وجود دارد و این تقسیم کار در بلند مدت، خود موجب ارتقای همه جانبه اعضای خانواده می‌گردد.

۲۰. فداکاری

خانواده اهل مسجد، با تاسی به اهداف والای اسلام، درصدد است با ایجاد روح جمعی و تبدیل من انسانی به ما شور، عشق، و احساس مسؤولیت و دلسوزی نسبت به دیگران و روح فداکاری، ایثار و صمیمیت را در کالبد اجتماع بشری و یکایک افراد آن بدمد و آنان را از انحصارطلبی، انزواطلبی و گوشه‌گیری که مانع رشد و شکوفایی استعدادهای انسانی است، باز دارد.

تربیت شده مکتب مسجد، در هر مقام و موقعیتی که باشد، همواره مصالح جمعی را بر خواسته‌های شخصی خود مقدم می‌دارد، فداکار است، درد اجتماع را درد خود می‌داند، در غم و شادی دیگران شریک است و خود را در برابر سختی‌ها و مشکلات اجتماعی مسؤول می‌داند و بی‌اعتنا نیست.

خانواده علی و فاطمه علیها السلام، الگوی خانواده‌های اهل مسجد زندگانی این دو اسوه خانواده‌های اهل مسجد و همه عالم امکان، طبیعی، عادی، نشاط‌انگیز و روح پرور بود. این روح پروری به لحاظ صفا و سادگی زندگی آنان بود. ایشان در خانه‌ای کوچک و گلین، ساده و بی پیرایه که تنها به این اندازه می‌آرزد که سایبانی برای جلوگیری از تابش خورشید و یا سقفی برای جلوگیری از باران باشد زندگی می‌کردند. در تاریخ آمده است که پیامبر اکرم روزی وارد منزل زهرای اطهر شد و دخترش را دید که روی زمین نشسته، با یک دست فرزندش را در آغوش گرفته و شیر می‌دوشد و در دست دیگر با آسیاب دستی گندم آرد می‌کند. اشک در چشمان رسول خدا حلقه زد و فرمود: «دخترم تلخی‌ها و مشکلات دنیا را به یاد شیرینی و سعادت بهشت بر خود گوارا ساز.»^۱

سلمان فارسی می‌گوید:

«روزی حضرت فاطمه علیها السلام را دیدم که چادری وصله‌دار و ساده

داشت، در شگفتی ماندم و گفتم: عجب! دختر پادشاهان ایران و قیصر روم

بر کرسی‌های طلائی می‌نشینند و پارچه‌های زر بافت به تن می‌کنند؛

این دختر رسول خداست که نه چادری گران قیمت بر سر دارد

و نه لباس‌های زیبا؟!»^۲

حضرت علی علیه السلام به جنگ می‌رفت و جهاد می‌کرد و حضرت فاطمه علیها السلام

شومین ایشان را می‌شست. حضرت فاطمه علیها السلام کانون خانواده را گرم و پناهگاه می‌کرد

و می‌دانست پیروزی حضرت علی علیه السلام در عرصه‌های گوناگون تا حدود زیادی مربوط

به اعتماد او به کانون خانواده است و با این اقدام کم‌کم می‌کرد تا رزم حضرت علی علیه السلام

چشم‌گیر گردد، و حقیقتاً نقش زن در موفقیت شوهر تا چه حد مؤثر است.

حضرت علی علیه السلام از جبهه برمی‌گشت و حضرت فاطمه علیها السلام با مهربانی

همی شگی خود او را دل گرم می‌کرد، تقویتش می‌نمود، زخم‌هایش را می‌بست، کوفتگی بدنش را می‌زدود و البته

حضرت علی علیه السلام مردی قدرشناس بود، وقتی به خانه می‌آمد از حال حضرت فاطمه

علیها السلام می‌پرسید. از تن خسته‌اش سؤال می‌کرد و او را دل‌داری می‌داد زیرا این دو دل دار هم بودند.

امام خمینی قدس سره در مورد شخصیت حضرت زهرا علیها السلام فرمودند:

«زهرا اطهر از معجزات تاریخ و افتخارات عالم وجود است، زنی که در

حجره‌ای کوچک و خانه‌ای محقر انسان‌هایی تربیت کرد که نورشان از

بسیط خاک تا آن سوی افلاک و از عالم ملک تا آن سوی ملکوت اعلی

می‌درخشید.»^۳

باید توجه داشت که محیط خانواده پرورش یافته در مکتب مسجد، ضامن خوش‌بختی

برای زن، ارج نهادن به ارزش‌های معنوی شوهر و اصالت دادن به آن‌هاست. زیرا همه ما بارها

دیده و شنیده‌ایم که اکثر اختلافات، تلخی‌ها و سردی‌ها، بی‌اعتمادی‌ها، جدایی‌ها و دیگر

مشکلات و سختی‌ها بر اثر برخوردار نبودن خانواده از ارزش‌های معنوی و فضایل انسانی

است و برعکس همه شادی‌ها، گرمی‌ها، گذشت‌ها، پیوندها و سایر عوامل سعادت خانواده

و استحکام رشته الفت و انس و خوش‌بختی در آن، معلول وجود آن ارزش‌ها بوده است.

آنان که در ازدواج، اصالت و ارزش را به مادیات و امتیازات ظاهری و غیرمعنوی

داده‌اند، هرگز در سایه ثروت، رفاه، و نعمت‌های بسیاری که داشته‌اند روی سعادت را ندیده

و لذت زندگی بی‌دغدغه و آرام و گرم را نچشیده‌اند و برعکس، روشن ضمیران و بلندمستانی

که به دنبال مظاهر معنوی و ارزش‌های مکتبی، اخلاقی و انسانی بوده‌اند، با وجود فقر، فشار

و مشکلات از زندگی عالی، لذت‌بخش و ارزشمند برخوردار گشته‌اند و این درسی است

۱ . نهج‌الحیة، فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام، محمد دشتی: ص ۱۶۱ .

۲ . نهج‌الحیة، فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام، محمد دشتی: ص ۱۶۲ .

۳ . جلوه‌های رفتاری حضرت زهرا علیها السلام، عذرا انصاری، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه قم: ص ۵ .

که حضرت علی و حضرت فاطمه علیهما السلام به ما می‌دهند.
حضرت علی و فاطمه زهرا علیهما السلام درس بندگی خدا و مطیع و تسلیم اوامر الهی
بودن را

از طریق تمرین عبادت به فرزندان خویش آموخته‌اند.
خانواده اهل مسجد حضرت علی علیه السلام دارای امنیت روانی بود و کانونی بود که افراد
آن

در کمال آرامش، صفا، صمیمیت، همدلی و همراهی در کنار هم زندگی می‌کردند.
ملاطفت و نرمی حضرت فاطمه علیها السلام در مقابل کودکان و همسر گرامی‌اش، محیط کاملاً
مساعدی را برای پرورش روح و جان به وجود آورده بود.

روی این اصل بر زنان، عموماً و زوجین جوان خصوصاً لازم است با سرمشقی قرار
دادن زهرا مرضیه علیها السلام محیط خانه و خانواده را برای شوهر و فرزندان خود مصفا و پاک
سازند و با ایجاد آرامش و سکینه در منزل، موجبات موفقیت اعضای خانواده را در مقابله
با مسائل بیرونی - اجتماعی فراهم نمایند.

الگوگیری از زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، برای داشتن خانواده‌ای متعادل

۱ . امیرالمؤمنین، حضرت علی علیه السلام می‌فرمود:

«به خدا قسم بعد از ازدواج با فاطمه علیها السلام تا هنگام مرگ او،

هرگز _____ ز _____

نکردم که فاطمه علیها السلام غضبناک شود و فاطمه علیها السلام هم

هیچ _____ را _____ شمشکین

نمود و از دستوره‌ایم سرپیچی نکرده است»^۱.

و این نخستین درس به زوجین در همه تاریخ خواهد بود.

۲ . حضرت فاطمه علیها السلام در تولید کوشا بود و در مصرف حسابگر، زیاده‌روی نمی‌کرد

و هرگز از حد متوسط جامعه قدمی فراتر نمی‌گذاشت و زندگی‌اش اغلب پایین‌تر از حد
متوسط بود.

۳ . فاطمه زهرا علیها السلام مانند زنان دوران جاهلیت، آرایش و خودنمایی نمی‌کرد.

ایشان خود را فقط برای شوهر خود می‌آراست. اگر زنان جامعه ما مسلمان و شیعه آن بانوی
معظم هستند، پس این جلوه‌های ناپسند برای چیست؟!

۴ . پیامبر اسلام می‌فرمود:

«بهترین زنان شما کسانی هستند که در برابر هسمرشان مهربان‌تر،

و برای فرزندان خود رحیم‌تر باشند»^۲.

مصدق عینی این سخن، فاطمه زهرا علیها السلام بود. او که همدم و مونس فرزندان خود

بود،

کارهایشان را زیر نظر داشت و در موارد لزوم تذکر می‌داد.

و اینک شما خواهر و بانوی مکرمه، چه شیوه‌ای را با شوهر و فرزندان خود در پیش

گرفته‌اید؟ آیا سعی می‌کنید شما هم مصداق فرمایش رسول گرامی اسلام باشید؟

۵ . حضرت زهرا علیها السلام خطاب به امیرمؤمنان، حضرت علی علیه السلام می‌فرمود:

«ای اباالحسن! من از پروردگار خود حیا می‌کنم که چیزی را از تو

درخواست نمایم که در توانت نیست».

متأسفانه بعضی‌ها فراموش کرده‌اند که توقعات زیاد، بی‌مورد و غیرمنطقی،

نشاط روحی و روانی خانواده را از بین می‌برد. آیا بهتر نیست همسر خود را با شرمندگی اذیت
نماییم؟!

۶ . هنگامی که تمام سنگینی بر دوش حضرت فاطمه علیها السلام بود، چون کوه در برابر

_____ هم

سختی‌ها می‌ایستاد.

پس بر ماست که همچون او راه ایستادگی در مقابل سختی‌ها را بر خود هموار

۱ . کوثر عفاف، اصغر تقی‌زاده شکبیا، انتشارات اسلامی: ص ۱۴۱ .

۲ . کوثر عفاف، اصغر تقی‌زاده شکبیا، انتشارات اسلامی: ص ۱۴۲ .

سازیم...!

۷. مهریه فاطمه زهرا علیها السلام در حد بسیار معمولی و مختصر بود، و زندگی

عادت‌مندی

داشت. چه قدر شایسته است والدین و زوجها به این نکته با اهمیت توجه نمایند.

۸. حضرت علی و فاطمه علیهما السلام در شب عروسی هر دو به عبادت خدا مشغول

بودند.

تا شکرگزار نعمت عظمای ازدواج باشند. نظر شما چیست؟ آیا شما نیز چنین کرده و یا خواهید کرد؟!

۹. فاطمه زهرا علیها السلام اصالت را به کارها و مسئولیت‌های خانه و خانواده می‌داد و

معتقد

بود آن لحظه‌ای که زن در خانه خود می‌ماند و به امور زندگی و تربیت فرزند می‌پردازد به خدا نزدیکتر است. شما اصالت را به چه چیزی می‌دهید؟ خانه یا بیرون؟ در هر صورت آیا به برنامه‌ای اندیشیده‌اید که به بنیاد خانواده لطمه وارد نشود؟

۱۰. فاطمه زهرا علیها السلام آن‌گاه که کودکان خود را به بازی می‌گرفت و به تربیت روحی

و پرورش جسمی عزیزان خود می‌پرداخت، و مفاهیم ارزشمند انسانیت، شرف، احسان، نیکی و طرفداری از حق را در قالب اشعار ادیبانه، به آنان می‌آموخت. به راستی ما چگونه عمل می‌کنیم؟

خانه حضرت علی و فاطمه زهرا علیهما السلام کانون مهر و صفا بود. بیایید صفا بخش کانون

گرم

و پر مهر خانواده خود باشید.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

«بهترین مردم کسانی‌اند که پیش از همه به مسجد داخل می‌گردند،

و آخر از همه از مسجد خارج می‌شوند»^۱.

در این زمان که انسان‌های دچار بی‌هویتی، سردرگمی، اضطراب، و پریشانی گشته‌اند

و رو به سوی مقصدی نامعلوم و ناهموار نهاده‌اند و آینده‌ای مبهم و تاریک را در فراروی خویش ترسیم می‌نمایند، گرایش جوانان و نوجوانان و خانواده‌ها به مسجد می‌تواند راهنما و هادی نسل حاضر و آینده، و روشن کننده آینده‌ای بس درخشان برای خانواده‌ها باشد.

با توجه به اینکه خانواده، خشت اول بنای اعتماد و مسئولیت در هر جامعه است، رشد و انحطاط هر قوم و ملتی تا حدود بسیاری به خانواده مربوط است و سرآغاز هر حرکت و تقویت اندیشه‌ای را باید در آن جست و جو کرد و به لحاظ این اهمیت است که اسلام توصیه به حفظ آن دارد. «قوا انفسکم و اهلیکم»^۲ و هم رسیدگی مجددانه به آن شده است.

خانواده به جهت نقش و اهمیتی که در رشد و سرنوشت نسل‌ها و حیات فردی و اجتماعی انسان دارد، موضوع بحث ادیان گوناگون، مذاهب و نیز دانش‌های متعددی چون روان‌شناسی، علوم تربیتی، جامعه‌شناسی و دیگر شاخه‌های علوم انسانی، قرار گرفته است.

در حقیقت خمیر مایه شخصیت انسان در خانواده شکل می‌گیرد و نگرش‌ها، رغبت‌ها و رفتارهای خوشایند و ناخوشایند درخصوص پدیده‌های گوناگون از خانه سرچشمه می‌گیرد.

پس خانواده اولین مرکز و هسته‌ای است که کودکان همه چیز را در آن یاد می‌گیرند و از همه سکناات و آداب و اطوار والدین تأثیر می‌پذیرند و خودآگاه و ناخودآگاه رفتار و خلق و خوی آنان را تقلید می‌کنند.

مادر و پدر بدون این که تعهدی داشته باشند، سرمشق و الگوی کودکان می‌شوند. اگر مادر و پدر سعی کنند که از سرمشق قرار گرفتن جلوگیری کنند کودکان به سرمشق‌های دیگر روی خواهند آورد و به نظر می‌رسد که این نیازی فطری است.

درباره تأثیر و نقش الگو در شکل‌گیری شخصیت انسان فراوان سخن گفته‌اند، در این جا ذکر خاطره یکی از عارفان بزرگ می‌تواند شاهد نیکویی بر این موضوع باشد:

۱. مجله مسجد: ش ۶۳، ص ۵۱.

۲. تحریم / ۶.

«روزی از سهل شوشتری که از عرفای بزرگ و دارای کرامت بود، پرسیدند: چگونه به این مقام و مرتبه رسیدی؟ او پاسخ داد: «من در کودکی نزد دایی‌ام زندگی می‌کردم. وقتی هفت ساله بودم، نیمه شب ادرار به من فشار آورد، ناچار از رختخواب برخاستم و به دست‌شویی رفتم. وقتی شستم

برگ

که بخوابم، دایی‌ام را دیدم که رو به قبله نشسته، عیابی بر دوش کشیده، عمامه‌ای دور سرش پیچیده و مشغول نماز خواندن است. از حالت او خوشم آمد، کنارش نشستم، نمازش تمام شد، آن گاه از من پرسید: «چرا نشسته‌ای؟» برو بخواب. گفتم: از کار شما خوشم آمده و می‌خواهم پهلوی شما بنشینم. گفت: «نه» برو بخواب. رفتم و خوابیدم. شب بعد نیز از خواب بیدار شدم. باز هم دایی مشغول نماز خواندن بود. وقتی کنارش نشستم به من گفت: «برو بخواب». گفتم: «دوست دارم هرچه شما می‌گویید، من هم بگویم». دایی‌ام مرا رو به قبله نشان داد و گفت: یک مرتبه بگو «یا حاضر و یا ناظر» من هم تکرار کردم. سپس دایی‌ام گفت: «برای امشب کافی است، حالا برو بخواب». این کار چند شب تکرار شد و هر شب عبارت «یا حاضر و یا ناظر» را چند بار تکرار می‌کردم. کم‌کم وضو گرفتن را نیز آموختم و پس از آن که وضو می‌گرفتم، هفت بار می‌گفتم: «یا حاضر و یا ناظر».

هر آن کو غافل از حق يك زمان است
در آن دم کافر است، اما نهان است

عاقبت کار به جایی رسید که من بدون این که نزد دایمی‌ام بروم، خودم قبل از اذان صبح بیدار می‌شدم و پس از نماز، تسبیح به دست می‌گرفتم و پیوسته تکرار می‌کردم: «یا حاضر و یا ناظر» از این کار لذتی روحی می‌بردم تا این که به این مقام و مرتبه رسیدم».⁴⁰

در دنیای پیشرفته امروز که فناوری مدرن، بسیاری از معضلات زیستی و اجتماعی مردم را حل نموده است، جهان شاهد بسیاری از معضلات اخلاقی، نابسامانی‌ها، و فروپاشی خانواده هاست. وجود آمار خودکشی بالا، اعتیاد، فحشا، فرار کودکان و نوجوانان از خانواده و مشکل بیماری خطرناک ایدز، گواه و دلیل محکمی بر بی‌توجهی رهبران و مسئولان به خصوص والدین در امر تعلیم و تربیت و محافظت و مراقبت نکردن از این نهاد مقدس است.

تحقیقاتی که از جامعه اروپا به خصوص آمریکا به همت محققانی چون پروفیسور کوهن انجام شده است، نشان می‌دهد که توسعه روزافزون جرم و بزه‌کاری نوجوانان در آمریکا نتیجه تحولی است که در خانواده‌های آنجا پدید آمده است. شرایط نیک و بد خانواده نخستین و مهم‌ترین مدرس و مهد تربیت و موفق‌ترین کارگاه انسان‌سازی است و بیشترین دانسته‌ها، تجارب، فرهنگ و تمدن و اخلاق و اندیشه از این راه به کودک سرایت می‌کند.

و خلاصه کلام این که گرانش خانواده‌ها به مسجد راه حل بسیاری از معضلات و مشکلات فراروی بشر به شمار می‌رود. خانواده اهل مسجد، خانواده‌ای متعادل و سالم در همه ابعاد که پرورش دهنده انسان‌های بزرگ تاریخ است. به امید آن که روزی همه خانواده‌ها اهل مسجد، نماز و عبادت باشند. انشاء الله

⁴⁰. افروز، غلامعلی، پرورش احساس مذهبی در کودکان و نوجوانان، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۱: ص ۱۹ .